



بانوان و معلولیتی که محدودیت نیست!

زنان در مسابقات پارالمپیک خوش درخشیدند تا شعار معلولیت محدودیت نیست را باور کنیم

ایده آل» است که متعاقب آن هیچ نقصی در زنان را پذیرفتنی ندانسته و مایه تحقیر و طرد آن‌ها می‌شود.

کدام زن ایده آل؟

این الگو از یک زن که باید از نظر جسمانی بی‌عیب و نقص، کامل و تمام، به اداره امور شخصی و اجتماعی خود بپردازد، باوری است که نه تنها زنان معلول که همه جامعه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. امروزه با رواج صنعت مد و مقبولیت عام مصرف‌گرایی، تعاریف ایده‌آل و کاملی از بدن ارائه می‌شود که درباره زنان به نحو بیمارگونه‌ای استفاده از ابزارهای پزشکی به منظور تشابه به آن الگوهای آرمانی از بدن را توجیه می‌کند. در چنین شرایطی حتی زنان غیرمعلول نیز در معرض انواع فشارهای اجتماعی و فرهنگی برای نزدیک شدن به آن بدن آرمانی هستند. این مسئله از درپچه زنان که نمی‌توانند آمیدی به ایده‌آل‌های جسمانی بدن آرمانی داشته باشند، مایه رنج مضاعف و انزوای بیشتری خواهد شد. از سوی دیگر، در حیطه زنانگی معلولیت، «توهم ناتوانی» زنان معلول بسیار رایج است. از زاویه فرهنگی و اجتماعی زن توان‌یاب قادر به انجام هیچ کاری نیست و برای اداره امور خود وابسته به اعضای خانواده و نهادهای پشتیبان است. اما گزاره درست این است که این زنان از هر لحاظی ناتوان نیستند و شاید تنها در برخی از فعالیت‌های روزمره دچار مشکل هستند. با اینکه معلولیت انواع، شدت و درجه‌های گوناگونی دارد، اما روایت فرهنگی غالب از معلولیت همه آن‌ها را با چوب ناتوانی به کناری می‌راند و در نتیجه اعتمادبه‌نفس و حضور اجتماعی آن‌ها را مخدوش می‌سازد.

این مسئله به بهترین نحو در حضور زنان ورزشکار در مسابقات جهانی خود را نشان داد. نه تنها معلولیت برای این ورزشکاران زن محدودیت نیست، بلکه تنها بخشی از زندگی آن‌ها متأثر از معلولیت قرار گرفته و چه‌بسا این فقدان، محرک و انگیزه‌ای برای افزودن بر کیفیت زندگی و تلاش مضاعف از سوی آنان باشد. ورزش، تلاش برای رسیدن به یک هدف مشخص، می‌تواند حلقه مفقوده زندگی تعداد زیادی از افراد جامعه باشد. این درحالی است که ورزشکاران توان‌یاب، با تلاش‌هایی بیش از حد معمول برای کسی که از رنج فقدان و معلولیت رهاست، می‌کوشند رویای زندگی خود را این چنین محقق سازند.

واقعیت این است که این زنان شایسته، الگوی تام و تمامی برای همه زنان جامعه هستند زیرا رخوت و سکون، آفت زندگی فردی و اجتماعی زنان در جامعه ایرانی است. اگرچه اداره امور خانه و ایفای نقش مادری و همسری، مهم‌ترین و ارزشمندترین کاری است که زنان می‌بایست به آن اهتمام داشته باشند، به نحو احسن انجام دادن این وظایف تنها در گرو این است که زنان بتوانند در مسیر به فعلیت رساندن توانایی‌ها و استعداد‌های خود قرار گیرند. پیروزی زنان قدرتمندی که در مسابقات پارالمپیک شرکت کرده‌اند، نه پیروزی یک شخص و یا یک تیم، بلکه موفقیت یک اندیشه و ایده است که معلولیت را محرومیت و محدودیت نمی‌داند و با آگاهی از فقدان و نداشته‌ها، تمام توش و توان خود را مصروف ارتقای داشته‌ها می‌کند.

مسابقات المپیک و پارالمپیک، یکی از عرصه‌هایی است که در آن رقابت‌ها از یک سو جنبه ملی دارد و از سوی دیگر این روزها که بحث توانمندی داغ است، شاهد بروز موفقیت‌های بانوان در آن هستیم. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رقابت‌های جهانی این است که برای کسانی که دارای معلولیت هستند، طبقه‌بندی جداگانه‌ای ایجاد شده است تا این افراد بتوانند الگوی تلاش و امکان‌پذیرکردن ناممکن‌ها برای معلولان سراسر جهان باشند. بانوان حاضر در مسابقات پارالمپیک این دوره، با کسب سه مدال طلا، با شکست دادن ناامیدی‌ها، نارضایتی‌ها و پیش‌داوری‌های فراوانی که درباره زنان توان‌یاب وجود دارد، خوش درخشیدند. اگرچه تنها ۹ نفر از ۶۲ نفر ورزشکاران حاضر در مسابقات زن بودند، کسب سه مدال طلا توسط این زنان شایسته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش بانوان توان‌یاب، می‌تواند آثار گسترده‌ای در سطوح ملی و حتی بین‌المللی داشته باشد.

رنج معلولیت برای زنان مضاعف است

واقعیت معلول بودن، به خودی خود رنج‌آور است. محروم بودن از انجام فعالیت‌های عادی و روزمره که برای بقیه به‌سادگی و بدون فکر و تأمل انجام می‌شود، می‌تواند منشأ نارضایتی و آسیب‌های روانی فراوان باشد. به طور کلی، معلولیت وضعیتی است که در انجام فعالیت‌های معمولی و روزانه یک فرد در نتیجه نقص و یا ضعف عضو، خلل ایجاد می‌کند. معلولیت را می‌توان نوعی فقدان در نظر گرفت که براساس آن، فرد در مقابل یک انسان توانا از نبود توانایی اداره امور خود به تنهایی رنج می‌برد. این معلولیت ممکن است ناشی از مسائل ژنتیکی در هنگام تولد و یا جراحت و بیماری‌های منجر به نقص عضو باشد که در هر صورت، با برچسب «معلول» محرومیت‌های مضاعفی را برای آن‌ها به‌وجود می‌آورد. اما این رنج برای زنان به‌گونه‌ای مضاعف وجود دارد و زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها را از خود متأثر می‌سازد. نه تنها حوزه فردی و شخصی زندگی این زنان تحت تأثیر پیش‌داوری‌ها، قضاوت‌ها و حتی سرزنش‌های درونی قرار دارد، حتی بیشتر از آن در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و از همه مهم‌تر ورزشی این معلولیت برای آن‌ها دوری‌گزینی و انزوا را به همراه می‌آورد.

معلولیت یک روایت فرهنگی بدن است

معلولیت را می‌توان چیزی بیشتر از یک نقص عضو و یا مسئله پزشکی و بدشأنی شخصی در نظر گرفت. درحقیقت معلولیت بیش از آنکه چیزی در رابطه با بدن فرد بگوید، یک روایت فرهنگی از بدن است. یعنی این تعریف اجتماع از معلولیت است که می‌تواند بر محدودیت‌های جسمی ناشی از معلولیت بیفزاید یا زمینه را برای پرورش توانایی‌های زنان معلول فراهم سازد. متأسفانه آن چیزی که روایت غالب فرهنگی از بدن زنان را تحت تأثیر خود قرار داده است، الگوی «زن کامل» است که می‌تواند کناره‌گیری و انزوای زنان معلول از اجتماع را سبب شود. به عبارت بهتر، طردشدگی زنان معلول از زندگی شخصی و اجتماعی متأثر از ارائه الگوی «زن



دکتر محدثه جزایی

دبیرانجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

درحقیقت معلولیت بیش از آنکه چیزی در رابطه با بدن فرد بگوید، یک روایت فرهنگی از بدن است. یعنی این تعریف اجتماع از معلولیت است که می‌تواند بر محدودیت‌های جسمی ناشی از معلولیت بیفزاید یا زمینه را برای پرورش توانایی‌های زنان معلول فراهم سازد

صدف